گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۶۰۱۸۱
شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۲ ۱۰:۲۵

یادداشتی از محسن جوادی آزاد، مدیر روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای فارس و بوشهر؛

نجابت مزرعه داران ارزهای دیجیتال، پشتوانه گذر از تابستان گرم

بیشتر از ۱۰ سال پیش بود که زنگ کاروان بیت‌کوین در ایران به گوش رسید. آنان که سری در زبان انگلیسی داشتند و یا دستی بر آتش دنیای مجازی، خبر از تولد یک پول جدید دادند.

به گزارش خبر، محسن جوادی آزاد، مدیر روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای فارس و بوشهر در یادداشتی با عنوان “نجابت مزرعه داران ارزهای دیجیتال، پشتوانه گذر از تابستان گرم” به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است:

این گونه بود که افراد خرد و کلان هر یک در پی آن بودند تا تجهیزاتی از آن سوی مرز به جهت کسب سود بیشتر وارد کنند. از هر طرف ندایی به گوش می‌رسید که فلانی دارد رمزارز استخراج می‌کند. کمی بعد، اما تشت رسوایی ارزهای دیجیتالی از بام افتاد.

صحبت درباره این میهمان ناخوانده نقل محافل شده بود که: «همه چیز رمزنگاری است و با استفاده از فناوری بلاکچین، تراکنش‌ها انتقال و تایید می‌شود.»

گفتند: این رمزارزها قصه‌ای است که توسط هیچ دولتی روایت نمی‌شود و به صورت مستقل تحت یک شبکه گسترده عمل می‌کند.

با تعجب و نگرانی به این عرضه و تقاضا خیره بودیم که گفتند به علت غیرقابل تقلب بودن، دسترسی آسان به آن در سراسر جهان و عدم نیاز به واسطه‌گری برای انجام تراکنش‌ها، نسل جدید برای داشتن یا ساختنش به آن علاقه مند است، و ما که نه دلی برای ریسک کردن و نه پولی برای خرج کردن داشتیم، مانده بودیم چه کنیم که به یک باره قانون برای مهار این اسب سرکش به میدان آمد.

در آمدو شد این ماجراها، ناگهان شلاق رمزارزها بر بدنمان نقش بست. در سال ۱۴۰۰ جدول خاموشی برق، چراغ ذوقمان را کور کرد، چنانکه اعلام شد: رمز ارزها جان شبکه برق را می‌گیرند. برای به دست آوردنش دستگاه‌ها باید محاسبات سنگین و پیاپی انجام دهند. این محاسبات نیاز به تعداد زیادی ماینر و مصرف انرژی بالایی دارند.

به یکباره کارخانه‌ها، مزارع، تولیدی‌ها، زیرزمین کارگاه‌ها، پارکینگ‌ها و... شده‌اند مزرعه رمزارز و این مزرعه اگر چه پولی مجازی برای بذرپاش و سرمایه‌گذار آن فراهم می‌کند اما سهم ما از این تولیدات، جدول خاموشی بود.

تابستان از راه رسیده بود.

این سو و آن سو خبر از اوج مصرف در گرمای طاقت فرسای تابستان بود و «خاموشی» در هنگامی که دلمان می‌خواست یک نسیم خنک ما را نوازش کند، بدون رضایت ما، ناگهان وارد خانه‌هایمان می‌شد.

شب‌ها این قصه جانکاه دوباره از سر خوانده می‌شد. می‌گفتند: این اثر اوج مصرف در ساعات ابتدای شب و ناشی از روشنایی و... است.

کفه ترازوی تولید، نامتعادل شده بود. آن سوی این ترازو «بد مصرفی» بود.

در آن ایام وقتی به رمز ارزها فکر می‌کردم، خاطراتم به زمان جنگ بازمی‌گشت که عده‌ای بودند و با احتکار اقلامی برای گرانتر شدن و فروختن با سود بیشتر، جوانمردی را می‌فروختند و ثروت می‌اندوختند.

باید قوانین در این جهت رضایت حال مردم را در اولویت قرار داده و نظارت لازم را برای ساعات استفاده از برق برای استخراج رمز ارزها اعمال کرد، تا اینکه مزارع با تولید برق برای خودشان، نیاز به استفاده از انرژی الکتریکی را در ساعات اوج مصرف بر طرف کنند.

در ایران استخراج رمز ارزها با مجوز قانونی راهکارهایی دارد، بدیهی است که بهترین انتخاب برای سرمایه‌گذاری همین تولید قانونی است.

خلاصه اینکه شکی نیست که مردم «مصرف درست» را بلد بوده و با رعایت مصرف بهینه به هم‌نوعان خود در جای جای ایران بزرگ کمک می‌کنند.

مردم پای کارند و می‌دانند کولرهای آبی با دور کند هم می‌تواند رضایت نسبی‌شان را فراهم کند، حتی آنهایی که در جنوب یا شمال کشور با رطوبت بالای هوا دست و پنجه نرم می‌کنند، می‌دانند بهتر است درجه کولرها را روی عدد ۲۴ تنظیم کنند تا نسیم خنکی و سفیر شادی سهم همه باشد.

مزرعه‌داران رمزارز نیز بی‌شک از دل همین مردم نجیب‌اند که درد و دوای مردم را خوب می‌دانند، فقط کافی است دست یکدیگر را بگیریم تا از گردنه گرم تابستان امسال عبور کنیم.